

فلات قاره که عمده‌ترینش در «عاشاقان» است از یکسو و نفت ترکمنستان را نیز از «آکتاو» به «باکو» و سپس به «سوپسا» متصل کنند و در نهایت از «سوپسا» به «بندر جیحان» (ترکیه) وصل نمایند.

■ بندر «سوپسا» در «گرجستان» چگونه به بندر جیحان در دریای سیاه وصل خواهد شد؟
□ در شرایط کنونی خط لوله «باکو» به «گرجستان» وصل شده است. این خط لوله که چند هفته پیش افتتاح گردید، حدود یکصد هزار بشکه نفت را از آذربایجان به «گرجستان» منتقل می‌کند که البته بنا به گفته کارشناسان تا ۶۰۰ هزار بشکه قابل افزایش است.

■ آیا جز خطوط لوله‌ای که دریای سیاه مقصد نهایی آن است، کشورهای دیگر را هم در پروژه انتقال نفت خزر مدنظر دارند؟
□ بله، یک مسیر از «قزاقستان» به «چین» است. مسیر دیگر عبور خط لوله از کشور «افغانستان» می‌باشد. دیگر مسیر خط

■ بحث نفت خزر از آغاز همیشه توأم با موضوع مسیر انتقال نفت بوده است. کدام مسیر برای خطوط انتقالی، مدنظر کمپانیهای نفتی است؟

□ صرف نظر از آنکه کدام مسیر، انتقال نهایی نفت خواهد شد، مسیرهای متعددی مدنظر است.

۱- مسیر «باکو» به «نوروسیسک»، (بندر روسیه در دریای سیاه)

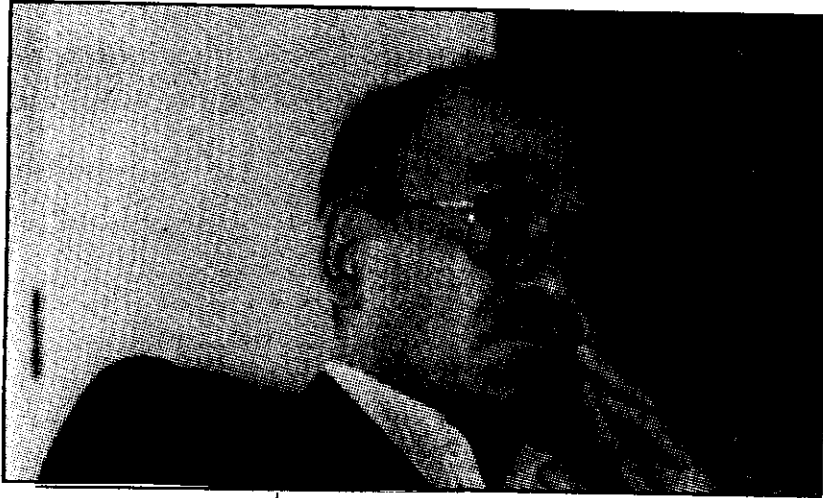
۲- مسیر «باکو» به بندر «سوپسا» در دریای سیاه (که متعلق به گرجستان می‌باشد)

۳- مسیر «باکو» به بندر جیحان ترکیه که در واقع اصلی‌ترین مسیری است که مورد حمایت سیاسی امریکا، اسرائیل و ترکیه می‌باشد.

■ اگر فرض بر این باشد که خط لوله «باکو-جیحان» مسیر نهایی خواهد بود، آنگاه چگونه نفت ترکمنستان و قزاقستان را به این مسیر متصل خواهند کرد؟
□ احتمالاً در نظر دارند نفت [درون ساحلی] «قزاقستان» را که عمده‌ترینش در منطقه «تنگیز» است و همچنین نفت



چشم انداز ایران شماره ۱



لوله، از "اکتائو" در "قزاقستان" به "ایران" است که در نهایت به خلیج فارس متصل می‌شود. با توجه به اینکه رشد تقاضای آسیا در آینده بیشتر خواهد بود، بنظر می‌رسد که مسیر نهایی انتقال نفت خزر بسوی اروپا نباشد. چرا که اصولاً احتیاجات اروپا را نفت خلیج فارس و... تامین می‌کند و اروپا نیازی به نفت خزر ندارد. بر این اساس حتی اگر مسیر لوله بطرف دریای سیاه باشد، ناچار است که دوباره از طریق کانال سوئز بسوی آسیا برگردد و این موضوع مخارج سنگینی را تحمیل می‌کند.

■ همانگونه که می‌دانید رئیس‌جمهور آمریکا، آقای مورنینگ استار را بعنوان مشاور ویژه در مورد دریای خزر منصوب کرده است. از طرفی وزارت امور خارجه آمریکا نیز، سرویس ویژه‌ای را به این امر اختصاص داده است. آیا سابقه دارد که سیاستمداران کاخ سفید، بصورت مستقیم در مورد انرژی فعال شده باشند و آیا سابقه داشته است که رئیس‌جمهور، یک مشاور ویژه انرژی، علاوه بر وزارت انرژی و یا خزانه‌داری داشته باشد؟

□ به نظر من حساسیت آمریکا در رابطه با انرژی کاملاً مشخص است. در مورد دریای خزر نیز از جهات مختلف، این حساسیت بچشم می‌خورد، یکی از جنبه فشار بر روسیه و دیگری جلوگیری از رشد رادیکالیزم در منطقه خزر!

■ منظورتان از رادیکالیزم، عدالت خواهی سوسیالیستی است یا گرایشات ناسیونالیستی؟!

□ هر دو می‌تواند رادیکالیزم تلقی شود. موضوعی که بطور طبیعی دست آمریکا را در منطقه آسیای مرکزی و دریای خزر باز کرده است، احساسات ضدروسی کشورهای است که هفتادسال تحت سلطه روسیه بوده‌اند. اینها نگرانند که اگر روسیه مجدداً به قدرت تعیین کننده ای تبدیل شود، همان سرنوشت قبلی را در پیش رو خواهند داشت و برای اینکه از سرنوشت گذشته خود فرار کنند، عموماً راه حلی جز نزدیکی به آمریکا در پیش نمی‌گیرد.

■ در این میان ایران چه نقشی را می‌تواند ایفا کند؟ آیا اساساً ایران توانایی ایفای یک نقش جدی در منطقه خزر را دارد؟

موضوعی که بطور طبیعی دست آمریکا را در منطقه آسیای مرکزی و دریای خزر باز کرده است، احساسات ضدروسی

کشورهایی است که هفتادسال تحت سلطه

روسیه بوده‌اند. اینها نگرانند که اگر

روسیه مجدداً به قدرت تعیین کننده ای

تبدیل شود، همان سرنوشت قبلی را در

پیش رو خواهند داشت

□ به نظر من ایران می‌توانست نقش مهمی را در این رابطه ایفا کند. کشور ما هم از سلطه چندین ساله غرب رنج می‌برد و هم شاید بدبختیهای ما از کشورهای آسیای میانه بیشتر باشد. اگر ایران یک دیپلماسی فعال را دنبال می‌کرد، بخوبی می‌توانست کشورهای آسیایی را به مطالعه گذشته ایران دعوت کند تا آنها بصورت جدیتری درباره استقلال خود فکر کنند و ببینند که نتیجه اتکای ایران به غرب در تاریخ چندصدها چه عواقبی را پدید آورده است.

■ یعنی بنظر شما، ایران می‌بایست حس استقلال طلبی را تقویت می‌کرد؟

□ بله. ولی بنظر من در چارچوب یک دیپلماسی فعال این کار قابل انجام بود. هر چند که بنظر نمی‌رسد تاکنون کاری جدی در این زمینه شده باشد.

■ ظاهراً بدلیل کاستی‌های دیپلماسی ما در قضیه آذربایجان و ارمنستان، آذربایجان جذب ترکیه شده است!

□ بله. بنظر من در این قضایا سیاست خارجی ایران قابل نقد است.

■ به سؤال اصلی برگردیم. شما به دو نکته اشاره کردید: یکی هراس آمریکا از رشد رادیکالیزم و دیگری هراس کشورهای منطقه از حاکمیت مجدد روسیه، و اینکه این دو عامل سبب پیدایش صف بندیهای جدیدی در منطقه شده است و در واقع آمریکا را به آسیای مرکزی نزدیک کرده است. در این میان نفت چه نقشی را بازی می‌کند؟

□ هدف آمریکا این است که با استفاده از عامل نفت در کشورهای آسیای مرکزی و حوزه قفقاز کاری انجام دهد و در نهایت آنها را در خط استراتژیک خودش قرار دهد.

■ چگونگی تحقق این استراتژی را توضیح دهید. □ پیشنهادی متنوعی که در رابطه با خطوط انتقال نفت مطرح شده است، در نهایت اجرای طرحی را در نظر دارد که توسط آن، کشورهای مختلف با استفاده از ترانزیت نفت، ثبات اقتصادی پیدا کنند. در ضمن این کشورها با هم پیوند امنیتی





مشترک پیدا کنند تا از خطوط لوله محافظت نمایند و در نهایت هم، به ناتو متصل شوند.

■ غیر از ملاحظات منطقه‌ای، چه نکات دیگری می‌تواند در استراتژی نفتی آمریکا مدنظر باشد؟

□ آمریکا به این موضوع همیشه فکر می‌کند که در مساله تامین انرژی، منابع متنوعی را در اختیار داشته باشد، تا اگر یکی از مراکز تولید ناامن شد، از دیگر منابع بتواند نیازهای خود را برطرف کند.

■ ولی خط لوله‌ای که از باکو به جیحان می‌رود با مخاطرات بسیاری مواجه است. چرا که از منطقه کردستان ترکیه می‌گذرد. همچنین اگر از ارمنستان عبور کند، بدلیل کشتار ارامنه بدست ترکها در سالهای گذشته و کینه شدید ارامنه، خط لوله تامین خوبی نخواهد داشت. در گرجستان هم که مساله آبخازها وجود دارد...

□ به همین دلایل است که خط لوله باکو-جیحان، به مراحل قطعی نرسیده است و بسیاری روی آن تردید دارند. خود من هم فکر می‌کنم، تحقق آن به این سادگی امکان پذیر نخواهد بود.

■ تاثیر سیاستهای منطقه‌ای اسرائیل در منطقه آسیای مرکزی را تا چه اندازه بر چگونگی عبور خطوط لوله موثر می‌دانید؟ با توجه به آنکه شرکت اسرائیل و ترکیه را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

□ اسرائیل نقش خودش را بازی می‌کند و همانطور که شما هم گفتید، در ترکمنستان و پروژه‌های نفتی منطقه سرمایه‌گذاری کرده است، ولی من نقش اسرائیل را تعیین کننده نمی‌بینم. البته تردیدی نیست که اگر این خطوط لوله بتواند اجرا شود، اسرائیل هم بهره خواهد برد. با توجه به نگرانیهایی که اسرائیل از خلیج فارس دارد، نفت حوزه خزر می‌تواند نگرانیهای او را کمتر کند. ولی بهرحال مشکلاتی که در اجرای خط لوله وجود دارد، امکان تحقق آن را ضعیف می‌کند.

■ مشکلات اجرایی این خط لوله به غیر از مساله امنیت مناطق محل عبور لوله، چه عوامل دیگری می‌تواند باشد؟

□ طول خط لوله ۱۷۰۰ تا ۱۹۹۴ کیلومتر پیش‌بینی شده است که هزینه ای معادل ۲ تا ۳ میلیارد دلار را به همراه دارد. این خط لوله در نهایت ۹۰۰ هزار تا ۱/۲ میلیون بشکه نفت در روز را می‌تواند به بندر جیحان برساند. غیر از مسایل فنی آن در عبور از مسیرهای کوهستانی، بازار این نفت الزاما حوزه مدیترانه خواهد بود. در حالی که حوزه مدیترانه احتیاجات خود را براهی از نفت خلیج فارس تامین می‌کند و نیازی به نفت خزر ندارد. پیش‌بینی ذخایر موجود در خلیج فارس و

خاورمیانه، مدت زمان ۴۰ سال را مطرح می‌کند. در چنین شرایطی آسیا نیاز بیشتری به نفت دارد که نفت خزر می‌تواند تا حدودی پاسخگوی این نیاز باشد.

■ با توجه به آنکه اسرائیل در حوزه مدیترانه قرار دارد و به نفت الجزایر و لیبی هم نمی‌تواند متکی باشد، آیا نفت خزر نمی‌تواند یک منبع قابل اتکا و ارزان برای اسرائیل تلقی شود؟

□ نفت وقتی به آنجا برسد، دیگر ارزان نخواهد بود!

■ ولی قابل اتکا است.

□ قابل اتکا هست، ولی ارزان نیست.

■ حالا از جنبه ارزان بودن آن صرفنظر می‌کنیم. آیا نمی‌تواند یک منبع قابل اتکا برای اسرائیل تلقی شود؟

□ من نمی‌دانم که امنیت قفقاز را که خط لوله از آن می‌گذرد چگونه تامین خواهند کرد؟ عوامل بسیاری وجود دارد که این طرح را غیر قابل توجیه نشان می‌دهد. صرفا با یک عامل نمی‌توان یک طرح را توجیه کرد!

آمریکا به این موضوع همیشه فکر می‌کند

که در مساله تامین انرژی،

منابع متنوعی را در اختیار داشته باشد، تا اگر یکی

از مراکز تولید ناامن شد،

از دیگر منابع بتواند نیازهای خود را برطرف کند.

■ شاید تنوع منابع تولید که شما آن را یکی از دلایل توجه آمریکا به نفت خزر دانستید، در مورد اسرائیل

هم صدق کند! اسرائیل در خلیج فارس با اسلام و عربیت درگیر است. در حالیکه کشورهای قفقاز به لحاظ نژادی و دینی مشکلی با اسرائیل ندارند. حتی برخی از رهبران اسرائیلی مانند آریل شارون متولد این منطقه می‌باشند.

□ این نکته که کشورهای آسیای مرکزی با اسرائیل مساله‌ای ندارند، به اثبات نرسیده است. بهرحال کشوری مانند گرجستان مشکل حادی چون آبخازها را دارد که امنیت این کشور را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. حتی مسیر خط لوله باکو-سوپسا امنیت زیادی ندارد. این که اسرائیل هم، بدنبال تنوع در منابع انرژی می‌باشد، قابل قبول است. ولی اتکا به خط لوله خزر - مدیترانه چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ اقتصادی مشکلات بسیاری دارد.

■ اخیرا مورنینگ استار نماینده ویژه رییس جمهور آمریکا در منطقه خزر، در پاسخ به جریانی که خط لوله را اقتصادی نمی‌داند طی مصاحبه با پستولوم اکونومیست گفته است: یک شرکت ترک پذیرفته است که احداث خط لوله را با مبلغ ۱/۷ میلیارد دلار انجام دهد. از طرفی این خط لوله را بیمه خطرهای سیاسی می‌کنیم که سرمایه‌گذاران نگران نباشند. از سویی او این موضوع را رد می‌کند که شرکتهای آمریکایی برای عبور خط لوله از ایران فشار می‌آورند.

اکتانو تا خلیج فارس با طول حدوداً ۱۲۰۰ کیلومتر، معادل ۱/۸ میلیارد دلار می‌باشد. اگر چنین خط لوله‌ای به صرفه نباشد، هزینه خط لوله باکو - جیحان که ۲/۵ میلیارد دلار برآورد شده است، اصلاً صرفه نخواهد داشت و در چنین شرایطی منتفی است. خط لوله ایران از تمامی طرح‌ها، هزینه کمتری خواهد داشت.

■ گذشته از شرایط هموار جغرافیایی، امنیت کنونی ایران را نیز کارشناسان قابل اعتماد تر از کشورهای آسیای مرکزی می‌دانند.

□ خود آمریکاییها هم تصدیق کردند که مسیر ایران کواتهرین، اقتصادی‌ترین و امن‌ترین راه است. ترانزیت نفت از باکو به جیحان، انتقال نفت را با سرنوشت چهار کشور گره خواهد زد. در حالیکه در مسیر ایران تنها یک کشور مطرح خواهد بود.

■ برخی صاحب‌نظران غربی درباره پیشنهاد عبور خط لوله از ایران، دو مشکل را مطرح می‌کنند: مشکل نخست خود ایران است و مشکل بزرگتر ناامنی خلیج فارس اعلامیه ویلیام پری هم در همین رابطه بود. حال اگر ما در دیپلماسی نفت خود، این نکته را مطرح کنیم که خط لوله به دریای عمان وصل خواهد شد و نه به

خلیج فارس، آیا با چنین منطقی می‌توانیم مقابله کنیم؟

□ علاوه بر این، امکانات استراتژیک هم در اختیار داریم. یکی از این امکانات، راه‌آهن است که می‌تواند از سرخس به بندر چابهار وصل شود. این خط آهن در ابتدای قرن نوزدهم میلادی توسط روسها پیشنهاد شده بود. اخیراً ایران در مورد آن فعال شده است و به زیرسازی این خط مشغولند. این خط می‌تواند اضافه بر نفت، کالاهای صادراتی دیگر آسیای مرکزی را به دریای آزاد وصل کند.

■ منظور شما، حمل نفت از طریق راه آهن است؟

□ بله! از این طریق هم می‌شود.

■ آیا با این روش، حجم انتقال نفت نسبت به خط لوله کمتر نخواهد بود؟

□ البته کمتر خواهد بود، ولی بهر حال جایگزین خوبی است.

■ بهر حال حمل با قطار، برعکس خط لوله منحصر به یک محصول نخواهد بود و از این جنبه پیشنهاد شما جالب توجه است.

(پایان قسمت اول)

□ اصولاً برآوردهای کمپانیهای نفتی از خطوط لوله گوناگون است. فکر می‌کنم اظهار نظر مورنینگ استار هم بیشتر سیاسی باشد تا اقتصادی! من تا بحال برآوردی را ندیده‌ام که مسیر باکو - جیحان را کمتر از ۲ تا ۳/۵ میلیارد دلار محاسبه کرده باشد. بعید بنظر می‌رسد این خط لوله ۱/۷ میلیارد دلار تمام بشود.

■ بله. کارشناسان معروف دنیا هم این برآورد را قبول ندارند. یک کارشناس انگلیسی، چهار الی پنج ماه پیش اعلام کرد که این راه اقتصادی نیست.

□ درست است! آنچه را که در مجلات معتبر دنیا دیده‌ام، همین موضوع را تأیید می‌کند. بیمه خطرات سیاسی خط لوله ای که مورنینگ استار به آن اشاره می‌کند، در نهایت هزینه خط لوله را بالا خواهد برد و آن را غیراقتصادی خواهد کرد.

■ شما تاثیر کاهش اخیر

قیمت نفت را در میزان سرمایه‌گذاری نفتی، در حوزه خزر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بنظر می‌رسد مجموع ۱/۶ میلیون بشکه ای تولید خزر حتی از خط لوله ایران هم مقرون به صرفه نیست، چرا که حداقل هزینه استخراج هر بشکه، به اضافه هزینه ترانزیت آن، حدوداً ۸ الی ۹ دلار خواهد شد. برخی شرکتها مانند

موپیل برای مقابله با چنین وضعیتی، پیشنهاد و معامله پایاپای سوپ با ایران را مطرح کرده‌اند. یعنی نفت خزر را به ایران تحویل دهند و در خلیج فارس معادل آن را تحویل بگیرند.

□ من یک گزارش از رئیس بی.پی. در ماه ژانویه مطالعه کردم که به این نکته اشاره داشت و بهره برداری از نفت خزر را با قیمت‌های فعلی امکان‌پذیر نمی‌دانست. گزارش دیگری هم از آموکو چنین مضمونی را تأیید می‌کرد. هر دو گزارش به این موضوع اشاره داشتند که برنامه خود را افزایش قیمت نفت تا حد ۲۰ دلار در سال آینده قرار داده‌اند، تا عملیات اکتشاف و تولید منطقه خزر امکان‌پذیر شود.

توسعه صنایع نفت، از اساسی‌ترین دغدغه‌های غرب است. بر این اساس نسبت به بحرانهای نفتی بسیار حساس هستند. با توجه به هزینه حدوداً ۹ دلار برای استخراج و تولید و ترانزیت نفت خزر، قیمت‌های کنونی باید تا حد ۲۰ دلار افزایش پیدا کند. با توجه به عمق زیاد دریای خزر، اکتشاف و تولید نیاز به تکنولوژی بسیار پیشرفته‌ای دارد که قیمت‌های کنونی جوابگوی هزینه آن نمی‌باشد. این نگرانی در کمپانیهای نفتی وجود دارد که با قیمت‌های فعلی، امکان توسعه منابع نفتی در جهان وجود ندارد.

در مورد عبور خط لوله از ایران که شما آن را هم با قیمت‌های فعلی نفت به صرفه ندانستید، برآورد هزینه آن از

توسعه صنایع نفت، از اساسی‌ترین دغدغه‌های غرب است. بر این اساس نسبت به بحرانهای نفتی بسیار حساس هستند. با توجه به هزینه حدوداً ۹ دلار برای استخراج و تولید و ترانزیت نفت خزر، قیمت‌های کنونی باید تا حد ۲۰ دلار افزایش پیدا کند.